



مناسبات فکری و فرهنگی امامیه با غالیان در عصر حضور امامان علیهم السلام

محمد مهدی مطهری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

سید حسن طالقانی^۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

چکیده

یکی از جریان‌های انحرافی که از درون جامعه شیعه و با عقاید و مناسکی متفاوت ظهور کرد و فعالیت‌های متعدد و گسترده فرهنگی و اجتماعی در میان خواص و عوام جامعه شیعه از خود بروز داد، جریان غلو بود. فعالیت‌های غالیان را می‌توان به دو زمینه اجتماعی - سیاسی و فکری - فرهنگی تقسیم کرد. از جمله تلاش‌های غلات در زمینه فرهنگی، می‌توان به کوشش آن‌ها جهت تحریف کتب اصحاب امامان، انتشار کتب تحریف شده در میان یاران ائمه، جعل و گسترش آموزه‌های غیراصیل فقهی و اعتقادی در میان شیعیان و همچنین گسترش اباحی‌گری و شریعت‌گریزی در میان عموم جامعه اشاره کرد؛ همچنین غلات با بهره‌گیری از برخی آموزه‌های امامان، سعی در نزدیکی علمی با امامیه داشتند که در این راه به موفقیت‌هایی نیز دست پیدا کردند. اصحاب امامان نیز با تکیه بر آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام به فعالیت و مقابله با برنامه‌ها و اقدامات غالیان پرداختند. تألیف کتاب ردیه نویسی علیه غالیان، مناظره و مخاصمه با آنان، معرفی غالیان به جامعه شیعه و نیز ارائه لیست راویان مورد اعتماد امامان و رجوع به ائمه برای شناخت گزاره‌های اصیل دینی، مجموعه‌ای از اقدامات فرهنگی امامیه در مواجهه با غالیان است.

واژگان کلیدی

مناسبات امامیه، غالیان، عصر حضور، اصحاب ائمه.

۱. سطح سه حوزه علمیه قم و دروس خارج فقه و اصول و پژوهشگر تاریخ کلام بنیاد فرهنگ جعفری، نویسنده مسئول (mohamadmahdi7.motahari@gmail.com).

۲. استادیار پژوهشگاه قران و حدیث و عضو پیوسته انجمن کلام اسلامی حوزه (hasan.taleghani@yahoo.com).

مقدمه

غلو و زیاده‌انگاری نسبت به افراد، همواره در طول تاریخ و در نحله‌ها، گروه‌ها و ملل گوناگونی وجود داشته است. با بررسی تاریخ اسلام و فرقه‌های آن به این نکته پی می‌بریم که اندیشه‌های غالبانه در میان جامعه مسلمان نیز رخنه کرده و عده‌ای را با خود همراه کرده و در مقابل گروهی را به تقابل واداشته است. جامعه شیعی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و عده‌ای از درون این جامعه نسبت به جایگاه امامان و غیر ایشان، دچار انحراف غلو و زیاده‌انگاری شدند؛ اما چگونگی تعامل اعم از واگرایی و یا هم‌گرایی میان امامیه (شامل امامان و اصحاب و جامعه شیعی) با غالیان و در محدوده زمانی حضور امامان، سؤال اصلی این پژوهش است.

غلات که دارای گرایش‌های مختلفی بودند، هر یک روش‌های گوناگونی برای تأثیرگذاری بر فرهنگ و اندیشه جامعه شیعه در پیش گرفتند؛ از این‌رو، برای شناخت دقیق رفتار پیشوایان شیعه و خواص و عوام جامعه شیعه، مطالعه تاریخ دوره حضور برای کشف کنش یا واکنش علمی فرهنگی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. چنین به نظر می‌رسد که میان غالیان و امامیه در این مقطع تاریخی در زمینه فرهنگی و علمی، واگرایی شدیدی حاکم بود. این پژوهش به منابع تاریخی و حدیثی امامیه و اهل سنت مراجعه کرده و با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد تاریخ کلامی در پی اثبات این فرضیه است.

در موضوع غلو و غالیان نوشته‌های متعددی به رشته تحریر درآمده است؛^۱ اما در هیچ‌کدام از این آثار کل بازه زمانی حضور ائمه علیهم‌السلام بررسی نشده است و هر کدام به قطعه‌ای از زمان حضور پرداخته‌اند؛ همچنین به تعاملات فرهنگی بین اصحاب ائمه با غلات نیز پرداخته‌اند. در این نوشتار بازه زمانی عصر حضور امامان مورد بررسی قرار خواهد گرفت و علاوه بر تعاملات امامان، تعاملات اصحاب آن‌ها نیز با غالیان مدنظر خواهد بود. از آن‌جا که تا پیش از امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام جامعه اعتقادی امامیه شکل نگرفته و فعالیت فرهنگی شیعیان آشکار

۱. از جمله الغلو و الموقف الاسلامی نوشته المنصوری، الغلو و الفرق الغالیه نوشته السامری، غالیان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها نوشته صفری، موضع امام رضا علیه‌السلام در برابر غالیان، نوشته ناصری، جریان غلو در عصر امام کاظم علیه‌السلام و نیز مقاله‌ی مواجهه فکری و عملی امام هادی علیه‌السلام با جریان فکری غلو نوشته حاجی‌زاده، جریان‌شناسی غلو و غالیان در عصر رضوی با تکیه بر آموزه‌های امام رضا علیه‌السلام نوشته دلبری، بازشناسی اندیشه غلو نوشته قبادی، غلو و غالیان عصر حضور در آینه منابع نوشته صفری، واکاوی جریان غلو و جعل حدیث در فرقه خطابه نوشته اکبرنژاد، تعامل ائمه با غلات نوشته علوی و پژوهشی پیرامون پدیده غلو و جریان غالی‌گری در شیعه نوشته رضوی.

نبوده است، تعاملات فرهنگی بین امامیه و غالیان از عصر صادقین علیهم السلام تا دوره غیبت و تأثیر و تأثرات هر یک بر دیگری در این مقاله بررسی می‌شود.

ذکر این نکته ضروری است که هیچ‌یک از اصحاب امامیه و یا دانشیان رجالی متقدم، معیاری برای تشخیص غلو و غالی بودن و یا نبودن افراد، ذکر نکرده‌اند (نک: حسینی، ۱۳۹۲)؛ اما با توجه به این‌که مشخصه همه غلات در تمامی دوران حضور طبق نقل امام صادق علیه السلام، کوچک شمردن عظمت الهی و ادعای ربوبیت برای مخلوقات بود (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۵۰)، این شاخصه را برای شناخت مصادیق غالیان در طول دوران حضور ملاک قرار می‌دهیم، البته می‌توان غالب ملاک‌های ذکر شده در باب غالی‌شناسی را به این معیار تطبیق داد.

۱. بررسی مناسبات غلات با امامیه

آگاهی از تأثیر جریان غلو بر پیکره جامعه شیعه، در گرو آشنایی با فضای حاکم بر آن دوره است. گزارش موجود در این باره، دو مقطع از جامعه شیعی را به نمایش می‌گذارد. بر پایه این گزارش، وضعیت فرهنگی جامعه شیعه قبل از امامت امام باقر علیه السلام بسیار آشفته بود؛ به طوری که شیعیان در ابتدایی‌ترین نیازهای فرهنگی خود، دچار فقر شدیدی بودند؛ اما تصویری که از بازه زمانی دوران امامت امام باقر علیه السلام به مخاطب ارائه می‌شود، جامعه‌ای با غنای فرهنگی و توانا به پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی دیگر فرق است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۰).

می‌توان گفت اولویت نخست امام باقر علیه السلام نشر فراگیر آموزه‌های فقهی در میان شیعیان بود. آموزه‌هایی که بدون پایبندی عملی به آن‌ها نمی‌توان خود را پیرو اهل بیت علیهم السلام دانست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۷۷، ۷۸ و کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۶۲)؛ اما جریان غلو حرکتی بود که، در برابر اقدامات فرهنگی امام باقر و امام صادق علیهم السلام قد برافراشت و از میان برداشتن آن‌را در سر می‌پروراند.

می‌توان گفت عمده غالیان در دوره حضور امام باقر و امام صادق علیهم السلام را مغیریه و خطابیه تشکیل می‌دادند و مغیره بن سعید و ابوالخطاب بودند که جریان غلات را در این بازه زمانی هدایت و رهبری می‌کردند.

۱-۱. مغیریه

پیروان مغیره بن سعید را مغیریه نامیده‌اند (بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۲۱۵) که در منابع فرقه‌نگاری، به جز سه نفر، با افرادی مجهول الحال به عنوان «مغیریه» مواجه هستیم (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۲۷۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۰). مغیره در ابتدا، ناگزیر به اظهار تشیع (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۹: ۷۶)

و نیز قبول امامت امام باقر علیه السلام بود (حمیری، ۱۹۷۲: ۱۶۸) تا از این راه در میان شیعیان به موقعیت اجتماعی دست یابد؛ گر چه عده‌ای هم از دروغین بودن این ادعا آگاه بوده و با دیده تمسخر به این گفتار مغیره می‌نگریستند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۹: ۷۶). برقراری مرادده علمی مغیره با شخصیت سرشناس کوفه یعنی محمد بن مسلم (بی‌نام، ۱۳۶۳: ۱۶۴) و از طرفی جعل حکم فقهی غیر اصیل و نسبت دادن آن به امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۱۰۵) خبر از وجود نقشه از پیش طراحی شده مغیره می‌دهد.

نهی از خوردن گوشت نپخته نمک‌سود شده (برقی، ۱۳۷۱ق، ۲: ۴۶۳)، انتشار احکام یهود در میان شیعیان (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ۱: ۱۷۶) و نجاست آب فرات به جهت ملاقات با مردار (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۵: ۲۰۹)، نمونه‌ای از دیدگاه‌های مغیره در جامعه بود و فتاوی او بعد از قتل او نیز در جامعه مورد سؤال واقع می‌شد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۴۹) که نشانگر تأثیر مغیره بر جامعه شیعه بود. مغیره بن سعید در آموزه‌های عقیدتی نیز همین رویه را در پیش داشت (اشعری، ۱۹۸۰م: ۷ و بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۲۱۵ و ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۵: ۲۰۹).

شاید دریافت و انتشار احادیث سری از امام باقر علیه السلام، نقطه آغازین جدایی میان او و امامیه بود (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۱۰) که سبب دست‌یابی دشمنان به آن آموزه می‌شد. مغیره بعد از مدتی، خود را نبی و امام باقر علیه السلام را خدا معرفی کرد (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ۱: ۵۰، بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۲۲۹). بیان بن سمعان نیز ابتدای کار در کنار مغیره، ادعای نبوت داشت (اشعری، ۱۹۸۰م: ۵). به نظر می‌رسد ساحر و شعبده‌باز بودن مغیره (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۲۹) در این مرحله به کمک او آمده و سبب جذب افراد بسیاری شد (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱: ۵۰)؛ گرچه بیان بن سمعان از این ادعای خود فراتر رفته و ادعای الوهیت کرد و تابعینش را به عبادت خود واداشت (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۴: ۲۱۹). در مقابل اصحاب امامیه هم به شدت با آنها مقابله کرده و مناظرات و احتجاجات فراوانی با آنها داشتند (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ۱: ۴۹). نکته قابل توجه عدم نقل حتی یک روایت از مغیره بن سعید توسط اصحاب امامیه است و شیعیان به کلی از مرادده علمی و اخذ حدیث از او رویگردان بودند. این رویگردانی از آثار غلات، یکی از شیوه‌های اصحاب امامان در برخورد با غالیان بود که در ادامه بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

برخی از فرقه‌نگاران اهل سنت، جابر بن یزید جعفی را نیز جزو مغیره شمرده‌اند (اشعری، ۱۹۸۰م: ۸؛ اندلسی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۱۱۹؛ حمیری، ۱۹۷۲: ۱۶۸؛ صفدی، ۱۴۰۱ق، ۳: ۲۹۹).

در منابع رجالی و فرقه‌نگاری شیعی، سخنی از مغیری بودن جابر جعفی به میان نیامده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۸؛ ابن‌غضایری، ۱۳۶۴: ۱۱۰؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۱۶، ۱۴۲۷: ۱۷۶، کشی، ۱۴۰۹: ۱۹۱). با توجه به این نکته که جابر جعفی به غیر از ۱۸ سالی که در مدینه زیست (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۹۶)، به‌عنوان نماینده امام باقر علیه السلام در کوفه شناخته شده بود و در آن شهر زندگی کرد (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴؛ ۲۱۱) و شهر کوفه نیز پایگاه فعالیت مغیره بوده است، ممکن است ارتباطاتی میان این دو برقرار شده که همین ارتباطات و تعاملات موهم مغیری بودن جابر جعفی شده باشد؛ اما در گزارشات تاریخی اهل سنت، جابر به‌عنوان یک شخص غالی نیز معرفی شده است (ابن‌قتیبه، ۱۹۹۲: ۴۸۰، ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۷؛ ۲۶۷، اشعری، ۱۹۸۰: ۱۴)؛ اما نوبختی چنین اتهامی را از جابر جعفی منتفی دانسته و او را از انتساب به این‌گونه عقاید مبرا دانسته است (نوبختی، ۱۴۰۴: ۳۵).

با توجه به کثرت احادیث سری جابر که آن‌ها را به احدی بازگو نکرد (کشی، ۱۴۰۹: ۱۹) و در بعضی از منابع به هفتاد هزار حدیث (همان) و در بعضی دیگر به پنجاه هزار (همان: ۱۹۴، ابن‌حبان، ۱۳۹۶: ۱؛ ۲۹۶) حدیث اشاره شده است، به نظر می‌رسد که وجود انبوهی از احادیث جابر در کتب غالیان، نه میراث اصلی جابر که بر یافته‌های آنان است؛ به‌خصوص این‌که در طریق کتاب جابر بن یزید به شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۲۰: ۹۵)، افرادی هم‌چون ابن‌ولید و احمد بن محمد بن عیسی وجود دارد که در صورت وجود آموزه‌های غالیانه، مبادرت به نقل احادیث جابر نمی‌کردند. بنابراین نمی‌توان جابر بن یزید را به غلات و مغیره منتسب کرد و دست‌کم شخصیت او مجهول و مورد ابهام است.

از دیگر افرادی که در زمان امامین صادقین علیهم السلام می‌زیسته است، بزیع بن موسی (نوبختی، ۱۴۰۴: ۴۳، رازی، ۱۴۱۱: ۵۸۱) است که به مغیره (کشی، ۱۴۰۹: ۳۰۵) و هم‌چنین خطابی (اشعری، ۱۳۶۰: ۵۴) نسبت داده شده است. در منابع فرقه‌شناختی موجود، در باب تعامل بزیع با اصحاب امامان گزارشی نقل نشده است.

از دیگر افرادی که به‌عنوان یکی از مغیره نام برده شده است، کثیر بن قاروند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲؛ ۲۷) معروف به کثیرالنواء است (راوندی، ۱۴۰۹: ۱؛ ۲۷۵). از علت انتساب کثیرالنواء عامی (برقی، ۱۳۴۲: ۴۲) یا بتری (کشی، ۱۴۰۹: ۲۳۳) به مغیره گزارشی در دست نیست؛ اما احتمالاً علت انتساب او به مغیره بیعت برخی از سران بتریه با محمد بن

عبدالله بن حسن که در مقطعی امام مغیره شناخته می‌شد (اسفراینی، ۱۳۵۹ق: ۱۰۴، نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۵۹) است.

بر طبق نقل برخی منابع، دادوستد علمی فراوان میان امامیه و مغیره برقرار بوده و اصحاب مغیره بن سعید کتب اصحاب ائمه را دریافت می‌کردند و بعد از دس و تحریف در آن کتب، آن‌ها را در میان اصحاب نشر می‌دادند (کشی، ۱۴۰۹ق، ۲۲۴)؛ اما با توجه به منابع تاریخی و فرقه‌نگاری موجود، مغیره تعامل فرهنگی بسیار کمی با امامیه برقرار کردند و جز دو قضیه ابی‌اسامه (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۲۷۸، صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۵۱۷، کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۶۹) و یزید بن حازم (نعمانی، ۱۳۷۹ق: ۲۳۰) مورد دیگری در باب تعامل فرهنگی ذکر نشده است که محتوای این دو گزارش در تضاد با یکدیگر است. در قسمت خطابه مفصلا به این دو گزارش پرداخته خواهد شد.

۲-۱. خطابه

خطابه به جماعتی از پیروان محمد بن مقلاص اسدی ابوالخطاب گفته می‌شد (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۴۳). پیروان ابوالخطاب را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد؛ گروه اول، افرادی که در زمان حیات ابوالخطاب با او مراوده داشتند و گروه دوم، افرادی که بعد از مرگ ابوالخطاب به تبلیغ افکار او می‌پرداختند.

۱-۲-۱. گروه اول

در کتب فرقه‌نگاری علاوه بر ابوالخطاب، افرادی از جمله جحدر بن مغیره، جماعه بن سعد، سالم بن مکرم، جعفر و حفص بن میمون، موسی بن اشیم و مفضل بن عمر به عنوان افراد شاخص خطابه نام برده شده‌اند که در زمان حیات و زنده بودن ابوالخطاب جزو یاران او محسوب می‌شدند.

ابوالخطاب از بزرگ‌ترین دعوت‌کنندگان به امامت امام صادق علیه السلام (ابن‌حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ۱: ۴۹) و حامل نامه‌های سرّی اصحاب به او (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۱۵۰) و دارای جایگاه ممتاز نزد ایشان بود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۴۱۸)؛ همچنین احادیثی را به بزرگانی چون زرارقه بن اعین، هشام بن سالم، محمد بن مسلم و... منتقل کرد که نشان از نزدیکی فوق‌العاده او به امام و یارانش است (ابن‌ابسطام، ۱۴۱۱ق: ۹۵ و ۱۳۸؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۵۸ و ۳۹۴؛

قمی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۴۲۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۵۸، ۵: ۱۵۰، ۶: ۲۴۹ و ۸: ۲۴۶؛ بی‌نام، ۱۳۶۳: ۱۶۳). همنشینی او با ساده‌اندیشان و دون‌فکران (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۵) و عواملی دیگر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۷۰، کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۵، صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۲۰) سبب دوری ابوالخطاب از امام صادق علیه السلام و یارانش شد؛ گرچه اصحاب امامیه بعد از انحراف ابوالخطاب، دریافت حدیث را از او متوقف کردند، اما احادیثی که قبل از انحراف از او شنیده بودند را با ذکر این نکته که این حدیث ابوالخطاب، قبل از انحراف او بوده، ذکر می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۸۶ و ۵: ۱۵۰؛ حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۰۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۴). جماعه بن سعد نیز از جمله یاران ابوالخطاب بود که در راه یاری او در سپاه ابوالخطاب به قتل رسید (ابن‌غضایری، ۱۳۶۴: ۴۶). از جماعه بن سعدخطابی به جز تک حدیثی از او (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۶۱)، دیگر اثری در میراث حدیثی شیعه نمی‌توان یافت. با بررسی درون‌مایه حدیث جماعه بن سعد، درمی‌یابیم که مفاد آن از دیگر راویان با اسنادی غیر از جماعه بن سعد نیز گزارش شده است (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۱۲۴) که نشان‌گر دارا بودن قرینه بر صدور روایت جماعه است.

یکی دیگر از یاران ابوالخطاب که در سپاه او حضور داشت، سالم بن مکرّم (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۳) بود. وی بعد از توبه و جدایی از ابوالخطاب (همان) با استقبال اصحاب روبرو شده و به یکی از اصحاب پرکار امامیه در زمینه حدیث‌پژوهی تبدیل می‌شود و کتاب او از طریق بزرگانی چون حسن بن علی الوشاء در میان اصحاب نقل می‌شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۸). چنین رفتاری از سوی بزرگان اصحاب نشان از رویگردانی آن‌ها از یاران ابوالخطاب است.

از دیگر یاران ابوالخطاب که اصحاب و یاران امام باقر و امام صادق علیهما السلام تعامل علمی بسیار ناچیزی با او برقرار کردند، حفص بن میمون بود. حفص که در خدمت اهداف ابوالخطاب بود، احادیثی از امام صادق علیه السلام دریافت می‌کرد و با دگرگون کردن و وارونه کردن حدیث، آن را برای ابوالخطاب بازگو می‌کرد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۴۴). کارکرد مذکور حفص برای ابوالخطاب، احتمالاً در انحراف بیشتر ابوالخطاب نقش مهمی را ایفا کرده است؛ زیرا با دگرگون شدن حدیث توسط راوی، شخص هدف بر طبق احادیث جعلی و دست‌کاری‌شده، عقاید خود و دیگران را بنا می‌کند که سبب بروز مشکلات عقیدتی خواهد شد.

از دیگر افرادی که جزو یاران ابوالخطاب در منابع تاریخی نام برده شده، موسی بن اشیم است (همان) که نام او در سند سه روایت بصائر الدرجات است (صفر، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۸۳ و ۳۸۵ و ۳۸۶)؛ همچنین روایت ۸ بصائر با همان سند در الکافی نیز ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۶۵). به نظر می‌رسد که با وجود تنها سه روایت که دارای مشابهت متنی با بقیه روایات موجود در باب است، تعامل فرهنگی جدی میان موسی بن اشیم و اصحاب امامیه ثابت نمی‌شود.

یکی دیگر از منتسبین به جریان خطایه، مفضل بن عمر است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۳)؛ گر چه نجاشی، خطابی بودن او را به دیده تردید می‌نگرد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۶). طبق گزارش کشی، همراهی مفضل با خطایه در قول به امامت اسماعیل بن جعفر (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۱) و ترویج امامت وی در میان برخی از اصحاب (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۵)، سبب شائبه خطابی بودن وی شد؛ اما برخی از گزارش‌ها حاکی از بازگشت مفضل از اعتقاد بر امامت اسماعیل دارد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۱). این گزاره و دیگر شواهد تاریخی در مورد مفضل بن عمر، مانند محرم اسرار امام صادق علیه السلام بودن وی (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۱: ۱۶۳) و نیز دارا بودن جایگاه ممتاز نزد امام صادق علیه السلام (طبری، ۱۴۱۳ق: ۲۷۴) و امام کاظم علیه السلام (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۰۸) و برخورداری از مقام وکالت امام صادق علیه السلام در جهت حل اختلاف شیعیان کوفه (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲: ۲۰۹)، خطابی بودن مفضل را مورد تردید جدی قرار می‌دهد.

این عوامل سبب شد که اصحاب ابوالخطاب، مفضل را آماج اتهامات گوناگونی مانند ترک نماز و شراب‌خواری و دزدی قرار دادند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۸). امام صادق علیه السلام، مفضل را برای رجوع در مسائل دینی تأیید نمود (همان: ۱۳۵) و به وی دستور انتشار علم گسترده خود (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۱۶) از طریق کتاب را داد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱: ۵۲). واضح است چنین دستوری، نشانگر اصیل بودن آموزه‌های مفضل است. همچنین مدح مفضل از سوی امام کاظم علیه السلام (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۱ و ۵۰۹) و امام رضا علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱: ۳۲۰) مؤید عدم خطابی بودن وی است؛ زیرا روش امامان در برخورد با غالیان به خصوص خطایه، عدم ممانشات با آنها حتی بعد از مرگ آنها است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۶). آخرین وصیت مفضل بن عمر به شیعیان، مؤید این مطلب است که او به هیچ‌روی، آموزه‌ها و روش غالیان را منتشر نمی‌کرده است (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۱۳)؛ اما برخی مفضل جعفی را به جریان «مفوضه» نسبت داده و حتی او را از بنیان‌گذاران این جریان قلمداد کردند. تحلیل داده‌های تاریخی موجود در مورد مفضل و

همچنین تاریخ شکل‌گیری جریان تفویض، نشان می‌دهد نمی‌توان وی را از بنیان‌گذاران و منتسبان به این جریان به حساب آورد و هیچ‌گونه تفکر تفویضی را برای او اثبات کرد (نک: حیدری، ۱۳۹۳).

از دیگر افرادی که از خطابه شمرده شده است، جحدر بن مغیره را می‌توان نام برد (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۴۶). هیچ اثری از او در میراث حدیثی امامیه یافت نمی‌شود و در طریق کتاب هیچ یک از اصحاب قرار نگرفته است. ابن غضائری مدعی است کتاب او در میان اصحاب مهجور و متروک واقع شده است (همان). مهجوریت کتاب او در میان اصحاب، در طریقی که نجاشی به کتاب جحدر ذکر می‌کند، آشکار است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۳۰). از محمدبن ادریس صاحب الکرایس و سعید بن مالک بن عبدالله (روایان کتاب جحدر بن مغیره)، در کتب رجالی، هیچ ذکری به میان نیامده است و اصحاب به‌طور کلی از اثر او رویگردان بودند. با بررسی مجموع گزارش‌ها و داده‌های تاریخی در مورد اقدامات مغیره و خطابه، فعالیت‌های فکری و فرهنگی آن‌ها را می‌توان در سه سطح تحلیل و بررسی کرد:

۱) جعل و گسترش آموزه‌های غیر اصیل فقهی و اعتقادی؛ ابوالخطاب و مغیره بن سعید آموزه‌های بافته خویشتن را میان جامعه ایمانی رواج دادند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۴۴). تأخیر انداختن نماز مغرب، نهی از سوارشدن بر روی شتر خراسانی و نهی از خوردن گوشت کبوتر پاپر توسط خطابه (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۳۳۷ و ۲۲۰) نمونه‌ای از فتاوی ابوالخطاب بود.

۲) مغیره و ابوالخطاب در اقدام بعدی، جمیع محارم الهی را حلال اعلام کردند و ترک همه واجبات را حلال شمردند (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ۱: ۵۰، نوبختی، ۱۴۰۴: ۴۳، اشعری، ۱۹۸۰م: ۱۰، اشعری ۱۳۶۰: ۵۱). مغیره و بیان بن سمان و سپس ابوالخطاب برای باورپذیر کردن این حرکت خویشتن در میان تابعین خود، مدعی بودند که با شناخت امام، دیگر نیازی به اعمال و مناسک دینی نیست (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۲۴۷؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۵ و ۲۹۱؛ ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵ق، ۱: ۵۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۵۰)؛ آموزه‌ای که به شدت از جانب امام مورد انکار قرار گرفت و اعلام کرد که غالیان تغییرناپذیر شده‌اند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۰۵).

۳) شاید مهم‌ترین اقدام فرهنگی و علمی غالیان را دس و تحریف آن‌ها در کتب اصحاب امامان بتوان برشمرد. در گزارشی تاریخی، یونس بن عبدالرحمن به نقل از هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام شنیده است که فرموده‌اند مغیره بن سعید و ابوالخطاب در نگاه‌های اصحاب امام باقر علیه السلام دست می‌برد و احادیثی برساخته و بریافته را به آن حضرت نسبت می‌داد (کشی،

۱۴۰۹ق: ۲۲۴). در گزارش دیگری که آن گزارش نیز از طریق یونس بن عبدالرحمن نقل شده است، چنین آمده است که مغیره و خطابه نگاشته‌های اصحاب امام باقر علیه السلام را برمی‌گرفتند و به مغیره و ابوالخطاب می‌سپردند. آن‌ها نیز احادیث آن کتاب‌ها را دست‌کاری کرده و آموزه‌هایی کفرآمیز در میانه آن جای داده و به امام باقر علیه السلام منسوب می‌ساخت. سپس این کتاب‌ها را دوباره به هم‌دستان خود می‌سپرد و ایشان را امر می‌کرد که این احادیث جعلی و دروغین را در جامعه شیعه نشر دهند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۲۵).

با واکاوی اجزاء دو گزارش مذکور و برابر نهادن آن‌ها با بسیاری از واقعیت‌های بستر فرهنگی جامعه شیعه عصر حضور که توسط نهاد امامت سامان یافته بود، به هیچ‌روی نمی‌توان نقش تخریبی غلاتی چون مغیره بن سعید و ابوالخطاب را آن‌گونه که این دو گزارش ادعا می‌کنند، در میراث حدیثی شیعه پذیرفت؛ افزون بر آن‌که در تاریخ حدیث شیعه به جز این دو گزارش، خبر دیگری که محتوای آن‌ها را تأیید کند، در دست نیست.

۲-۱-۲. گروه دوم

گروه دوم، غالبانی هستند که بعد از مرگ ابوالخطاب به تبلیغ افکار و عقاید او پرداختند. افرادی که در منابع فرقه‌نگاری و تاریخی جزء غالبان و مروجین افکار و عقاید ابوالخطاب بودند:

۱) یکی از افرادی که هم در مورد امام صادق علیه السلام و هم در مورد ابوالخطاب و سپس برای خود ادعای الوهیت نمود، معمر بن خثیم است (نوبختی، ۱۴۰۴ق، ۴۴). در منابع شیعی، خبری از دادوستد علمی و فرهنگی میان معمر و اصحاب امامیه وجود ندارد و تنها در یک گزارش، خبر از ملاقات او با امام باقر علیه السلام را می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۱۸، طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۴۳۸) که ظاهراً به قبل از پیوستن به ابوالخطاب اشاره می‌کند. پیروان عمیر بن بیان که جزء خطابه شمرده شده‌اند (اشعری، ۱۹۸۰م، ۱۲)، بعد از انکار عروج ابوالخطاب به آسمان، در کناسه کوفه به عبادت امام صادق علیه السلام مشغول شدند (اشعری، ۱۹۸۰م: ۱۲، صفدی، ۱۴۰۱ق، ۱۹: ۳۴۵). هیچ گزارشی مبنی بر تعامل فرهنگی میان او و اصحاب امامیه در منابع، یافت نمی‌شود. عده‌ای دیگر از پیروان ابوالخطاب، برگرد بزيع بن موسی الحانک جمع شدند (اشعری، ۱۹۸۰م: ۱۲؛ اشعری، ۱۳۶۰: ۵۲). از او نیز به مانند دیگر خطابه دادوستد فرهنگی و علمی گزارش نشده است.

۲) از دیگر غالیان نام برده در منابع، بشار الشعیری است (اشعری، ۱۳۶۰: ۵۹، کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۰۰). امامیه به طور کامل از او رویگردان بودند و هیچ تعامل فرهنگی با او نداشتند. حسین بن علی خواتیمی جزو غالیان دوره امام رضا علیه السلام شمرده شده (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۵ و ۵۲۰) که هیچ گونه ارتباطی میان او و اصحاب امامیه وجود نداشته است و نشانگر رویگردانی کامل اصحاب نسبت به آموزه های غالیان است.

۳) یکی از پیروان فکری ابوالخطاب، محمد بن فرات بود که در زمان امام رضا علیه السلام می زیست (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۵۴). در تراث شیعی، شخصی به نام محمد بن فرات دارای دادوستد علمی با امامیه است که در تمام این اسناد محمد بن فرات از ابوجعفر (امام باقر علیه السلام) نقل روایت کرده است (قمی، ۱۴۰۴ق: ۲: ۱۲۵، برقی، ۱۳۷۱ق: ۲: ۴۷۱، کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲: ۳۴۹، ۷: ۳۲۳)؛ اما با تأمل در طبقه محمد بن فرات خطابی که توسط ابراهیم بن شکله کشته شد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۵۵)، با محمد بن فرات مذکور در اسناد روایات، در می یابیم که محمد بن فرات الجعفی که از غالیان زمان امام رضا علیه السلام محسوب می شد، امکان روایت از امام باقر علیه السلام و اصبع بن نباته (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۷: ۲۶۵، ۳۲۳، طوسی، ۱۴۰۷ق: ۱۰: ۵۰، ۲۶۸) و عبایه بن ربیع (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۲۲) را نداشته است. مؤید این مطلب این است که کشی دو مدخل برای محمد بن فرات ذکر می کند. مدخل اول در اصحاب امام باقر علیه السلام (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۲۱) و مدخل دوم در اصحاب امام رضا علیه السلام (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۵۴) است و به روایات ذم محمد بن فرات، در مدخل دوم اشاره می کند. بنابراین اصحاب امامیه با محمد بن فرات خطابی هیچ گونه تعامل علمی نداشتند.

۴) از دیگر افراد غالی و مروجین فکر ابوالخطاب در زمان امام کاظم علیه السلام محمد بن بشیر بود (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۸۳، اشعری، ۱۳۶۰: ۵۶). در اسناد برخی روایات، نام محمد بن بشیر که از سوی نجاشی نیز توثیق شده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۴۴)، مشاهده می شود که حاکی از تعامل حدیثی میان او و امامیه است. اما بنابر نظر مرحوم خویی، محمد بن بشیر مذکور در روایات غیر از محمد بن بشیر غالی است (خویی، ۱۴۱۳ق: ۱۶: ۱۴۲). دست کم محمد بن بشیر مذکور در روایات، بین دو نفر مشترک می باشد و بنابراین باز هم نمی توان تعامل و دادوستد علمی میان محمد بن بشیر غالی و اصحاب امامیه را به اثبات رساند.

۵) از دیگر کسانی که در نشر آموزه های ابوالخطاب در میان جامعه فعال بودند، می توان از

جعفر بن واقد و هشام بن ابی هاشم (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۲۹) نام برد. از این دو نفر هیچ اثری در مجامع علمی و روایی شیعه به چشم نمی خورد و اصحاب امامیه هیچ تعامل فکری و فرهنگی با این دو نداشتند. ناگفته نماند که هاشم بن ابی هاشم مذکور که در زمان امام جواد علیه السلام می زیسته، با هاشم بن ابی هاشم از اصحاب امام باقر علیه السلام (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۴۸) تفاوت می کند.

۶) حسن بن محمد بن بابای قمی نیز از جمله غالیانی است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۸۶ و ۳۹۹) که میان او و اصحاب امامیه تعامل فرهنگی گزارش نشده است. هم چنین طاهر بن حاتم ماهویه قزوینی که در ابتدا از اصحاب امامیه محسوب می شده، ولی بعد از مدتی غالی شد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۰۸، ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۷۱). اصحاب امامیه هنگام روایت از او تصریح می کردند که روایت منقول از او در زمان استقامت و صحت مذهب او بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱: ۸۶). فارس بن حاتم، برادر طاهر بن حاتم نیز به مثابه برادرش در ابتدا در جرگه امامیه قرار داشت؛ اما پس از اظهار غلو، فقط آثاری که در حال صحت مذهب او بوده، نقل شده است؛ اما آنچه در روایات به عنوان ابن ماهویه آمده، احمد بن حاتم است که بر دین امامیه باقی ماند (کشی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۵).

۷) از غالیان بزرگ زمان امام هادی علیه السلام علی بن حسکه بود که پیروان خود را از عمل به شریعت با وجود معرفت مرخص کرد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۸) و موجب گمراهی برخی از مردم شد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۹). اثری از او در تراث شیعی یافت نمی شود.

۸) از دیگر غالیان و مروجین آموزه های ابوالخطاب که در زمان امام هادی و امام عسکری علیه السلام می زیست، محمد بن نصیر رهبر نصیری (اسفراینی، ۱۳۵۹ق: ۱۰۷، بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۹، اشعری، ۱۹۸۰م: ۱۵، ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۹) بود. وی برای امام هادی و امام عسکری علیه السلام مدعی ربوبیت شد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۲۱)؛ همچنین برخی محرمات شریعت را مباح اعلام کرد (اشعری، ۱۳۶۰: ۲۶۴ و ۲۴۷).

در منابع روایی محمد بن نصیر که استاد عیاشی بود، در زمینه دادوستد علمی با اصحاب امامیه بسیار فعال بود که توسط رجال یون توثیق و مدح شده است (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۴)؛ اما او غیر از محمد بن نصیر غالی است و بعید به نظر می رسد که اصحاب امامیه به صورت گسترده از او دریافت حدیث کرده باشند؛ زیرا بنا بر برخی گزارش ها اصحاب امامیه او را از مجالس و محافل خود دور کرده و اجازه ورود به او را ندادند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۸)؛ بنابراین احتمال دارد که محمد بن نصیر موجود در اسناد، استاد عیاشی و ثقة باشد.

۲. اقدامات و تعاملات امامیه با غالیان

امامان شیعه و یارانانشان، در مبارزه فرهنگی با عموم غالیان راه و روش‌های گوناگونی به منصفه ظهور گذاشتند که برخی از آن‌ها، کنش و برخی دیگر واکنش به غالیان بود. با بالا گرفتن کار غالیان، امام صادق علیه السلام به شیعیان و پیروان خود دستور دادند تا از هر گونه مجالست و نشست و برخاست با غالیان اجتناب کرده و دریافت و یا انتقال احادیث به آن‌ها را ممنوع اعلام کرد (کشی، ۱۳۶۳، ۲: ۵۸۶). بنا به احتمال صدور چنین دستوری بود که سبب شد رویکرد اصحاب امامیه از زمان امام صادق علیه السلام در مواجهه با آثار و روایاتی که غالیان آن را روایت می‌کردند، تغییر کند و اصحاب، روایات قبل از انحراف غالیان را قبول، و روایات بعد از انحراف آن‌ها را بنا بر دستور امام صادق علیه السلام در بایکوت خبری خویش قرار می‌دادند. یکی از فعالیت‌هایی که اصحاب امامان در راه مبارزه با ورود اندیشه و آموزه‌های غالیانه به معارف اصیل شیعه از خود بروز دادند، رجوع به امام و عرضه احادیث مشکوک به او برای شناخت سره از ناسره بود. عرضه احادیث مشکوک به امام، علاوه بر جلوگیری از ورود آموزه‌های غیر اصیل به فرهنگ شیعه، پایه‌گذار سنت و روشی مستحکم در مبارزه با غالیان در دوره‌های بعد بود.

رجوع اصحاب مختلفی از جمله عطیه (برقی، ۱۳۷۱ق، ۲: ۴۶۳)، عمر بن یزید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۳۲) و ابوهلال (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۴۹) به امام برای پرسش از احکام مشکوک را می‌توان در این باب نام برد.

سؤال از امام در مورد وجوب به تأخیر انداختن نماز مغرب (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۹)، حکم سوار شدن بر روی شتر خراسانی، خوردن گوشت کبوتر مسرول (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۳۳۷) و استفتاء معاویه بن عمار از فتاوی ابوالخطاب (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۹)، واکنشی به فعالیت‌های غالیان محسوب می‌شد.

رجوع و استفتای دیگر اصحاب مانند ابوبصیر به امام باقر علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۰۰، ۷: ۳۹۵، کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۰۹)، یزید بن خلیفه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۲۷۵، طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۲۶۰)، یونس بن عمار (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۴)، زراره (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۵۸)، مفضل بن قیس بن رمانه (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۴)، عمر بن یزید (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۵۲۵) و منصور صیقل (حلی، ۱۴۲۱ق: ۲۲۸) به امام صادق علیه السلام را می‌توان به عنوان برخی از فعالیت‌های اصحاب در مبارزه با غلو نام برد. موفقیت امام و یارانش چنان بود که مغیریه مترصد از دنیا رفتن امام بودند که

دیگر اصحاب به اورجوع نکنند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۱: ۲۹).

همین شیوه در موضوعات گوناگون اعتقادی نیز جاری بود؛ مانند رجوع به امام در مورد احادیث جابر (کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۳)، غیبت امام زمان علیه السلام (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۴۰)، محدث بودن امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و سلمان فارسی (همان، ۱: ۳۲۴).

در گزارشی امام کاظم علیه السلام، حسن بن عبدالله را به عرضه احادیث به ایشان دعوت می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۵۳). نکته قابل توجه این‌که کتاب کشی، از وجود چنین سنتی برای روایان پس از دوره صادقین علیهم السلام خبر می‌دهد (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸).

برای استمرار حیات جامعه شیعی، وجود آموزه‌های پیراسته از ناخالصی‌ها کافی نبود، بلکه برای موفقیت در این میدان، به فعالین عرصه پیکار با غالیان نیاز اساسی احساس می‌شد. این احساس نیاز، سبب شد تا امامان و اصحاب آن‌ها در این زمینه نیز، در جهت رشد نسل‌های بعدی روایان دین‌شناس و فقیه گام بردارند. در صورت نبود یکی از این دو مورد، زحمات اهل بیت علیهم السلام از بین می‌رفت (کشی، ۱۴۰۹ق، ۱۳۶: ۱۷۰). با مراجعه به رجال نجاشی، فهرست و رجال طوسی، حجم گسترده‌ای از روایان فقه‌مدار را می‌توان مشاهده کرد.

یکی دیگر از واکنش‌های امامان شیعه برای دفع فتنه‌گری غالیان، معرفی شماری از روایان و اصحاب مورد اعتماد خویش به مردم بود؛ افرادی مانند محمد بن مسلم (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۶)، برید بن معاویه (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۸)، ابوبصیر (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۷۱)، زراره (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۸)، حارث بن مغیره النضری (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۳۷)، مفضل بن عمر (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۵) و...

در گزارش‌هایی به نقش طلایی این افراد در زدودن غبار فتنه غالیان اشاره شده است که در صورت نبود آن‌ها، احادیث امام باقر علیه السلام از بین می‌رفت (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۶، ۱۳۷). با در کنار هم قرار دادن تلاش غالیان به خصوص مغیره بن سعید و ابوالخطاب و یاران این دو در جهت زدودن فقه‌مداری، گسترش اباحی‌گری و اندراس احادیث امام باقر علیه السلام، به روشنی رویارویی و مبارزه مستقیم این افراد با جریان انحرافی غلو نمایان می‌شود؛ به همین دلیل است که شاخصه شناخت غالیان، دشمنی با زراره، ابوبصیر، محمد بن مسلم و برید بن معاویه بود (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۷)؛ همچنین اصحاب ابوالخطاب در تخریب شخصیت مفضل و یاران او، از هیچ تهمت فروگذار نکردند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۸). امام کاظم و امام هادی علیهم السلام نیز به یاران

خویش افرادی را برای دریافت آموزه‌های دینی معرفی کردند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۴-۵). تربیت چنین یاران و افراد دین‌شناس و فقیه، گام مهمی برای زدودن آثار غالیان در جامعه بود. به عنوان نمونه یاران ائمه با تألیف کتب به مبارزه فرهنگی با غالیان مبادرت می‌ورزیدند.

از آن‌جا که خصیصه غالب غالیان اباحی‌گری بود و کار فرهنگی اصحاب امامیه متأثر از وقایع و مشکلات پیرامون خودشان شکل می‌گرفت، می‌توان گفت روی دیگر سکه مصنفات اصحاب، مقابله فرهنگی با غالیان بود. مصنفاتی که دستور به نگارش، نگهداری از آن‌ها و نشر و گسترش آموزه‌های مکتوب دینی (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱: ۱۲۹)، در راستای مدیریت فرهنگی امامان به شمار می‌رود.

کاستن از عظمت خداوند و معتقد شدن به ربوبیت بندگان، از بارزترین شاخصه‌ها برای شناخت غلات است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۵۰، کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۰۱). اصحاب نیز با توجه به اهمیت فوق‌العاده مسئله توحید، اقدام به تألیف کتبی اعتقادی با مضمون توحید کردند که در جنبه اعتقادی نیز با غلات مبارزه خویش را ادامه دهند. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب *التوحید* برخی از اصحاب مانند الحسین بن القاسم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۶۶)، احمد بن محمد بن عیسی (همان: ۸۱)، احمد بن محمد بن الحسین (همان: ۸۹) و سهل بن زیاد (همان: ۱۸۵) اشاره کرد.

از دیگر عقاید غالیان، عدم اعتقاد به معاد و بهشت و جهنم است (اشعری، ۱۹۸۰م: ۱۱). امامیه بر اساس آموزه‌های برگرفته از امامان، اقدام به تألیف کتبی با مضمون معاد و صفات بهشت و جهنم کردند. به عنوان نمونه می‌توان به کتب حنان بن سدید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۴۶)، سعید بن جناح (همان: ۱۹۱) و عبدالله بن میمون (همان: ۲۱۳) اشاره کرد.

علاوه بر کتب پیش گفته، کتبی نیز به طور مستقل در ردّ بر این غلات منحرف نوشته شد. اصحابی همچون ابراهیم بن ابی حفص (همان: ۱۹)، حسن بن علی بن فضال (همان: ۳۶)، علی بن مهزیار (همان: ۲۵۳)، سعد بن عبد الله الأشعری (همان: ۱۷۷)، علی بن العباس الجراذینی (همان: ۲۵۵)، فضل بن شاذان (همان: ۳۰۷)، محمد بن أورمة أبوجعفر (همان: ۳۳۰)، محمد بن موسی بن عیسی (همان: ۳۳۸) و محمد بن الحسن الصفار (همان: ۳۵۴) افرادی بودند که در رجال نجاشی از کارکرد آن‌ها در ردّیه‌نویسی بر ضد غلات نام برده شده است، البته برخی غلات نیز در دفاع از مکتب و مذهب خود نیز دست به تألیف کتاب‌هایی

زدند که خبر از نزاع فرهنگی بین امامیه و غالیان می دهد. محمد بن عبدالله بن مهران کتابی در فضائل ابوالخطاب نوشت. وی همچنین در کتاب دیگری به وقایع قتل و کشته شدن ابوالخطاب اشاره کرد (همان: ۳۵۰)، البته محمد بن عبدالله بن مهران کتاب دیگری هم با عنوان کتاب فی الممدوحین و المدمومین (همان: ۳۵۰) داشت که به گفته ابن غضائری، آنچه باعث خبث و کذب محمد بن مهران می شود، همین کتاب است (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۶). گویا در این کتاب که از عنوان آن بر می آید، به جرح روایت پیش رو در مبارزه با غالیان و تعدیل روایتی که مورد اعتماد غلات هستند، پرداخته شده است. بعضی از اصحاب نیز با در نظر گرفتن این حرکت تخریبی غلات، اقدام به تألیف کتبی با مضمون جرح غلات و تعدیل روایان امامیه نمودند. می توان به الممدوحین و المدمومین احمد بن محمد بن عمار (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۵) در این باره اشاره کرد.

از دیگر فعالیت های امامیه در مبارزه با غالیان، مناظره با آنان بود. عده ای از شیعیان با بزبیه و معمیره در بعضی از معتقداتشان به مناظره پرداختند (اشعری، ۱۳۶۰: ۵۳، نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۴۴). هشام بن سالم با محمد بن بشیر به مناظره پرداخت (اشعری، ۱۳۶۰: ۶۳) و مرازم بن حکیم، محمد بن بشیر را مشرک و کافر و فاسق خواند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۹۹). یونس بن عبدالرحمن و علی بن اسماعیل با اتباع او به مناظره برخاستند و از آن ها به کلاب ممتوره تعبیر کردند که این لقب در میان شیعیان مشهور گردید (اشعری، ۱۳۶۰: ۹۲). در گزارش دیگری، ابراهیم بن محمد در نامه ای به امام هادی علیه السلام خبر از مناظره بین فارس بن حاتم قزوینی و علی بن جعفر می دهد که این مناظره به تخاصم انجامیده و هر یک از دیگری بیزار و برائت جسته اند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۲۳).

از دیگر اقداماتی که می توان از آن به عنوان بخشی از مناسبات اصحاب با غالیان نام برد، محدود کردن فعالیت حدیثی روایان متهم به غلو از سوی اصحاب ائمه است. احمد بن محمد بن عیسی در مدرسه کلامی قم که از نفوذ کلام اجتماعی و سیاسی برخوردار بود (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۲)، به شدت به آموزه هایی که بوی غلو از آن استشمام می شد، حساسیت نشان می داد و با آن مبارزه می نمود (نک: طالقانی، ۱۳۹۱: ۶۵). در این برهه از زمان، متهمان به غلو مانند سهل بن زیاد (همان: ۱۸۵، ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۶۷)، ابو سمینه (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۲، ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۴) و حسین بن عبیدالله محرر (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۲) از قم اخراج

می شدند (همان: ۵۰۹)؛ حتی احمد برقی را به اتهام نقل از ضعفا و مجاهیل و نه آموزه‌های غالیانه از قم اخراج نمودند (ابن‌غضایری، ۱۳۶۴: ۳۹). سخت‌گیری جریان اشعری به حدی بود که نقشه ترور محمد بن اورمه را کشیدند و درصدد قتل او برآمدند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۹، ابن‌غضایری، ۱۳۶۴: ۹۴). این رویه نوعی اطمینان به روات و مشایخ قمی ایجاد کرد؛ تا جایی که حسین بن روح نوبختی کتابی به قم می‌فرستد تا آن‌ها نسبت به محتوای آن اظهارنظر کنند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۹۰). بنابراین این رویکرد در مدرسه قم سبب باقی ماندن آثاری از مدرسه کوفه شد که از دیدگاه قمی‌ها شائبه غلو در آن دیده نمی‌شد (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۵: ۱۹). از آن‌جا که معظم تراث حدیثی به جای مانده فعلی حاصل مدرسه قم است، قطعاً این آثار در ردیف آثار پالایش شده توسط مشایخ سخت‌گیر قمی مثل احمد بن محمد بن عیسی است و ورود هرگونه آموزه‌های غالیانه را به این میراث گران‌بها منتفی می‌کند.

با وجود سخت‌گیری‌های فراوانی که در مدرسه قم علیه غالیان صورت گرفت، باز هم وجود آثاری از متهمان به غلو را در میان احادیث قمی‌ها مشاهده می‌کنیم. در توجیه این دوگانگی باید گفت غلو و فقه‌مداری، دو عامل گسترده برای تضعیف یا توثیق راویان در میان اصحاب به شمار می‌رفت و این ثمره پدیده غلو بود. با نگاهی به کتب دانشیان رجالی درمی‌یابیم که تضعیف‌شدگان در این کتاب‌ها یا به جهت غلو (تخلیط و فساد مذهب نیز ارتباط تنگاتنگی با اتهام به غلو دارد) بوده و یا به جهتی غیر از غلو. با ردیابی متهمین به غلو مشاهده خواهیم کرد که نزدیک به نود درصد از تضعیف‌شدگان، به جرم غلو ضعیف شمرده شده‌اند (حسینی، ۱۳۹۷: ۳۹۴)؛ اما بر طبق معیار یاد شده در مقدمه، بیش از نود درصد این افراد را نمی‌توان جزء غلات محسوب کرد؛ زیرا افرادی غالی محسوب می‌شوند که معتقد به ربوبیت یکی از مخلوقین باشند و این مبنا مورد پذیرش متکلمان متقدم شیعه نیز است (مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۳۵ و ۱۳۶). این معیار در بیشتر متهمان به غلو یافت نمی‌شود.

با فرض غالی دانستن تمامی متهمین به غلو، باز هم نمی‌توان وجود راویان متهم به غلو را دلیلی بر ورود اندیشه غلات و آموزه‌های غالیانه به میراث حدیثی شیعه دانست؛ زیرا شیوه متقدمین در نقل از راویان و نیز انعکاس همین شیوه در نقد افراد مختلف در کتب رجالی، بر اساس این واقعیت بوده که برای راویان دوگونه کارکرد را در نظر می‌گرفتند. کارکرد صاحب کتاب و اثربودن و دیگری کارکرد ناقل بودن برای کتاب و اثر راوی دیگر. از آن‌جا

که تفکیک میان این دو کارکرد راوی، امکان‌پذیر است، گاهی یک راوی در نقش صاحب اثر بودن خود، ضعیف و غیر قابل اعتماد شمرده شده؛ ولی در نقش ناقل بودن برای روایات راوی دیگر مورد اعتماد واقع می‌شود (حسینی، ۱۳۹۷: ۱۹۴، ۳۷۹)؛ همچنین باید در نظر گرفت که داوری‌های سخت‌گیرانه اصحاب حدیثی قم و کوفه، همه میراث حدیثی فرد متهم به غلو را نشانه نرفته است؛ بلکه محدوده ویژه‌ای از میراث وی که شامل آموزه‌های منفرد و منحصر به فرد کلامی و فقهی او را شامل می‌شود، در بر گرفته است (ر.ک: حسین‌پوری، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

برآیند مباحث مطروحه در این پژوهش را می‌توان در چند نکته بیان داشت:

(۱) ساختمان فرهنگی شیعه که تا قبل از امام باقر علیه السلام با فقر مطلق روبرو بود، توسط امام باقر و امام صادق علیهما السلام به یک سازه‌ای غنی و جواب‌گو به نیازهای فردفرد جامعه شیعه تبدیل شد. چنین جامعه‌ای با هجوم فرهنگی بی‌سابقه‌ای از سوی غالیان روبرو شد و ادامه حیات آن با مخاطره روبه‌رو شد.

(۲) غالیان با روش‌های گوناگونی مانند جعل و گسترش آموزه‌های غیر اصیل اعتقادی و عقیدتی و نیز گسترش اباحی‌گری در جامعه، سعی در ایجاد رخنه به فضای فرهنگی جامعه شدند.

(۳) از آن‌جا که فعالیت غالیان را می‌توان از دو حیث اجتماعی-سیاسی و فرهنگی-فکری بررسی نمود، در این مقاله تأثیرگذاری غالیان بر جامعه شیعه و بالعکس از حیث فکری-فرهنگی مورد کنکاش قرار گرفت. غالیان از لحاظ اجتماعی توانستند بخشی از جامعه شیعی را با خود همراه کنند و به موفقیت‌های دست یافتند. در بعد فرهنگی-فکری نیز فعالیت‌های آن‌ها باعث به انحراف کشیده شدن بخشی از جامعه شیعه و حتی برخی از اصحاب و یاران ائمه نیز شد. دایره این فعالیت‌ها حتی بعد از مرگ ابوالخطاب نیز گسترش یافت و برخی از افراد منتسب به جامعه شیعه پیگیر افکار و عقاید ابوالخطاب و مروج افکار او بودند. گسترش اباحی‌گری و نشر آموزه‌های غیر اصیل و نیز هجمه شدید به برخی از فعالین عرصه پیکار با غالیان و نیز دس و تحریف کتب برخی از اصحاب از اهم فعالیت‌های غلات در جامعه شیعی بود. هم‌چنین می‌توان گفت پدیده جرح و سخت‌گیری با راویان معارف امامتی، از ثمرات پدیده غلو بود.

۴) ائمه علیّه و یاران ایشان با قطع هر نوع مراوده علمی با غالیان، معرفی افراد مورد اعتماد برای مبارزه با غالیان، تربیت شاگردان به عنوان نیروهای آماده به خدمت در جهت مدیریت فرهنگی امامان و تألیف کتب متعدد در موضوع‌های فقهی و عقیدتی به عنوان داده‌های اعتقادی کوشیدند تا فرهنگ اصیل شیعی دستخوش تغییرات غالیان قرار نگیرد. ثمره این فعالیت‌ها بازگشت عده زیادی از عموم جامعه شیعه و برخی از نزدیکان ابوالخطاب به گروه اصحاب امامیه بود.

منابع

۱. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران، کتابچی.
۳. _____، (۱۳۶۲)، *النخصال*، مصحح: غفاری علی‌اکبر، قم، جامعه مدرسین.
۴. _____، (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا علیّه*، تصحیح: لاجوردی مهدی، تهران، نشر جهان.
۵. _____، (۱۳۸۵ش)، *علل الشرایع*، قم، داوری.
۶. _____، (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، الشریف‌الرضی.
۷. _____، (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ابن حبان، (۱۳۹۶ق)، *المجروحین*، تحقیق: محمود ابراهیم زاید، حلب، دار الوعی.
۹. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام*، تصحیح: آصف فیضی، قم، آل‌البيت علیّه.
۱۰. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل‌ابی طالب علیّه*، قم، علامه.
۱۲. ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۹۹۲م)، *المعارف*، تحقیق: عکاشه ثروت، قاهره، الهیئه المصریه للعامة الکتب.
۱۳. ابن‌اسطام، عبدالله و حسین، (۱۴۱۱ق)، *طب الأئمة علیّه*، تصحیح: محمد مهدی خراسان، قم، الشریف‌الرضی.
۱۴. ابن‌الغضائری، احمد بن حسین، (۱۳۶۴ش)، *الرجال*، تصحیح: محمدرضا حسینی، قم، دارالحدیث.
۱۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۱۲ق)، *المنتظم*، تحقیق: محمد و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۶. اردبیلی، محمدبن علی، (۱۴۰۳ق)، *جامع الرواة*، بیروت، دارالاضواء.
۱۷. اسفراینی، ابوالمظفر، (۱۳۵۹ق)، *التبصیر فی الدین*، تصحیح: محمدزاهد کوشی، بیروت، المكتبه الازهریه للتراث.
۱۸. اشعری، ابوالحسن، (۱۹۸۰م)، *مقالات الإسلامیین*، تصحیح: هلموت ریتر، ویسبادن، انتشارات فرانس شتاینر.
۱۹. اشعری، سعد بن عبد الله، (۱۳۶۰ش)، *المقالات والفرق*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. اندلسی، ابن حزم، (۱۴۱۶ق)، *الفصل فی الملل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۱. برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، تصحیح: محدث جلال الدین، قم، دار الکتب الإسلامیه.
۲۲. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر، (۱۴۰۸ق)، *الفرق بین الفرق*، بیروت، دار الجیل.
۲۳. البلاذری، أحمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، *انساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
۲۴. بی نام، (۱۳۶۳)، *الأصول الستة عشر*، قم، دار الشبستری.
۲۵. حسین پوری، امین، (۱۳۹۳)، *حدیث ضعیف*، قم، دارالحدیث.
۲۶. حسینی شیرازی، علیرضا، (۱۳۹۷)، *اعتبارسنجی احادیث شیعه*، تهران، سمت.
۲۷. حسینی شیرازی، علیرضا و شاکر محمدتقی، (۱۳۹۲)، «نقش باورهای کلامی اصحاب در داوری‌های رجالی»، *معرفت کلامی*، شماره دوم، پیاپی ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۷ تا ۲۸.
۲۸. حلی، حسن بن سلیمان، (۱۴۲۱ق)، *مختصر البصائر*، تصحیح: مظفر مشتاق، قم، النشر الإسلامی.
۲۹. حمیری، ابوسعید بن نشوان، (۱۹۷۲م)، *المحورالعین*، تصحیح: کمال مصطفی، تهران، بی نا.
۳۰. حیدری، حسن (۱۳۹۳)، «مفضل بن عمر و جریان تفویض»، *تحقیقات کلامی*، شماره ششم، پاییز ۱۳۹۳، ص ۸۱ تا ۹۸.
۳۱. خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحدیث*، بی جا.
۳۲. رازی، فخرالدین، (۱۴۱۱ق)، *المحصل*، عمان، دار الرازی.
۳۳. راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، تصحیح: قم، موسسه الامام المهدي (عج).
۳۴. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، تصحیح: محسن بن عباسعلی کوچه‌باغی، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
۳۵. صفدی، خلیل بن ایبک، (۱۴۰۱ق)، *الوافی بالوفیات*، تصحیح: ریتر هلموت، بیروت دارالنشر فرانزشتاینر.
۳۶. طالقانی، سیدحسن، (شماره ۶۵، سال هفدهم، شماره اول بهار ۱۳۹۱)، *مدرسه کلامی قم، نقد و نظر*، ص ۶۶ تا ۹۱.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الطبری*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.

۳۸. _____، (۱۴۱۳ق)، *دلایل الامامة، تصحيح: قسم الدراسات الاسلاميه مؤسسه البعثه، قم، بعثت.*
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۳)، *رجال الطوسی، تصحيح: جواد قیومی، قم، النشر الإسلامی.*
۴۰. _____، (۱۳۹۰ق)، *الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، تصحيح: حسن خراسان، تهران، دار الكتب الإسلامية.*
۴۱. _____، (۱۴۰۷ق)، *تهذيب الأحكام، تصحيح: حسن خراسان، تهران، دار الكتب الإسلامية.*
۴۲. _____، (۱۴۱۱ق)، *الغیبة، مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الإسلامية.*
۴۳. _____، (۱۳۴۲)، *الرجال، تصحيح: طوسی محمد بن حسن و حسن مصطفوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.*
۴۴. _____، (۱۴۱۴ق)، *الأمالی، تصحيح: مؤسسه البعثه، قم، دارالثقافة.*
۴۵. _____، (۱۴۲۰ق)، *فهرست كتب الشيعة، تصحيح: عبدالعزيز طباطبائی، قم، مكتبة المحقق الطباطبائی.*
۴۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی، تصحيح: طیب موسوی جزائری، قم، دار الكتاب.*
۴۷. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *إختیار معرفة الرجال، مصحح: محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، نشر دانشگاه مشهد.*
۴۸. _____، (۱۳۶۳)، *اختیار معرفة الرجال (مع تعليقات ميرداماد الأسترآبادی)، تحقیق: مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.*
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی، تصحيح: علی اکبر غفاری، و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.*
۵۰. مطهری، محمد مهدی، (۱۳۹۵)، «ولایت تکوینی امامان از منظر اندیشمندان مدرسه کلامی قم»، *امامت پژوهی، دوره ۶، بهار و تابستان، شماره ۱۹، ص ۱۵۵-۱۷۹.*
۵۱. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص، تصحيح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، الموتر العالمی لالفیة الشيخ المفید.*
۵۲. _____، (۱۴۱۴ق)، *تصحيح اعتقادات الإمامية، تصحيح: حسین درگاهی، قم، کنگرة شیخ مفید.*
۵۳. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵)، *رجال، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.*
۵۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، *الغیبة، تصحيح: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.*
۵۵. نوبختی، حسن بن موسی، (۱۴۰۴ق)، *فرق الشيعة، بیروت، دارالأضواء.*